

گزارشی از پشت صحنه مجموعه تلویزیونی «زن بابا»

علی صادقی صاحب زن بابا می‌شود



معمولاً پشت صحنه کارهای طنز، جذاب‌تر از خود مجموعه است و این جمله خیلی بیشتر درباره پشت صحنه مجموعه «زن بابا» صدق می‌کند. کارهای مناسبی همچون کار برای ایام نوروز، ساعت و زمان خاصی ندارد و گاه گروه تا ۱۷ ساعت در روز هم کار می‌کنند و به قول یکی از بر و بچه‌های بازیگر طناز، آنقدر در کارهای روتین و مناسبی کار می‌کنیم تا از آن دور بین بزنیم بیرون!

امسال شبکه سوم سیما، تهیه مجموعه نروروزی خود را به دو تهیه‌کننده مطرح و کارکننده تلویزیون سپرده تا کاری بهتر و جذاب‌تر را روانه آنتن کند. ایرج محمدی و مهرا ن تهیه‌کنندگان مجموعه طنز زن بابا هستند که توسط سعید آقاخانی ساخته می‌شود که در مجموعه ساعت خوش او را در نقش سعید در اپیزودهای خان دایی و سعید به یاد دارد.

لوکیشن مجموعه انتهای اتوبان ارتش در شرق تهران است. کوچه‌ای بن‌بست و خلوت. لوکیشن در اصل خانه شخصیت اصلی داستان یعنی عزیز آقا است که سیروس گرجستانی ایفاگر نقش آن است.

خانه‌ای که کم‌وبیش به باغ می‌ماند. علیرضا نجف‌زاده و دستیار کارگردان و برنامهریز توضیحاتی در خصوص کار به من می‌دهد. او می‌گوید: کار را در دهم بهمن کلید زدیم و تا امروز - ۶ اسفند - پنج قسمت مجموعه را ضبط کرده‌ایم و دو قسمت هم آماده پخش است.

نجف‌زاده در خصوص داستان مجموعه می‌گوید: عزیز آقا فردی است که همسرش فوت کرده و او با پسرش روزگار می‌گذراند که نقش پسر را علی صادقی ایفا می‌کند. پسر عزیز قصد دارد با دختر دایی خود ازدواج کند ولی مشکلاتی مانع این اتفاق است.

حدیث فولادوند و مهرا ن غفور یان هم در گوشه‌ای از خانه به چشم می‌آیند. حدیث در نقش دختر عزیز آقا و مهرا ن هم داماد این خانواده است.

طراح دکور مجموعه می‌گوید: یک ماه و نیم گروه دکور تغییراتی خاص در خانه دادند. در قسه هم نیاز به یک قنادی و آرایشگاه بود که یک مغازه خالی را اجاره کردیم و دکورهای لازم برای قنادی و آرایشگاه را در آن ساختیم. وی ادامه داد حدود ۷۰ درصد فضای خانه را به دلیل فضای قسه گچ‌بری کردیم تا از یکنواختی دیوارها بکاهیم.

به‌ر که‌های منشی صحنه که نگاه‌های انداختم متوجه شدم امروز قرار است دو سکانس را ضبط کنند. اولین سکانس مربوط به پذیرایی است. گویا در این سکانس، عزیز آقا به دامادش می‌گوید

کلاس بازیگری دکان است که هر کسی خریدی می‌کند و تضمینی ندارد که حتماً بازیگر بیرون بدهد الان هم می‌توانم چهره جدیدی رو کنم

اول به گیشه توجه دارند. آیا سینمای ایران از شمال و جنوب و شرق و غرب محدود شده به ۴ تا هنرپیشه؟ الان فرض کنید که ۱۵ تا تهیه‌کننده هستیم و می‌خواهیم فیلم بسازیم و هر کدام برای فیلم خود یک یا دو نفر بازیگر جوان ۲۰ ساله ۲۲ ساله لازم داریم. آیا می‌شود نقش جوان دانشجو را به جمشید مشایخی بدهیم؟ باید چه کار کنیم؟ اگر چند جوان به سینمای ایران معرفی شده، باز هم گلی به جمال من که معرفی کردم. مثل جمشید هاشم‌پور که ۳۰ سال است یک‌تازی می‌کند و آقایی که برای ۳۰۰۰ کار ۹۰ میلیون دستمزد می‌گیرد.

در باره کلاس‌های بازیگری چه می‌گویید؟

کلاس بازیگری دکان و یاسو پرمارکت است که هر کسی می‌رود و خریدی می‌کند و صاحب آن سوپرمارکت فروشنده است و پولش را می‌خواهد بگیرد و تضمینی ندارد که حتماً باز بازیگر بیرون بدهد. خیلی‌ها اینجا آمده و گفته‌اند صادر کلاس‌های بازیگری دوره دیده‌ایم ولی چیزی نفهمیدیم مثلاً خانم سوفیا لورن که جوایز متعدد گرفته و در هر محفل هنری با احترام با او برخورد می‌شود، هیچگاه کلاس بازیگری و آموزش بازیگری ندیده‌است و آن جنب و جوشش در وجودش بوده که از او بازیگر ساخته‌است. من برای برگزار کنندگان این کلاسها احترام قائل هستم ولی برای بازیگر شدن، تضمینی ندارد.

پاتوزمین‌نذار در اکران خارجی و شبکه ویدیویی موفق بود؟

بله خیلی زیاد مخصوصاً خانواده‌ها با خرید CD آن استقبال خوبی کردند که باعث خوشحالی مسوولان شبکه ویدیویی و پخش آن شد.

برای تعلیم و تربیت و در واقع خلق بازیگران جدید چه باید کرد؟

ببینید فردین، آرمان و بیک ایمانوردی بازیگران معروفی بودند و بکروز دست‌هایشان را روی دست‌ها گذاشتند و قسم خوردند که کمتر از ۲۰ هزار تومان دستمزد نگیرند ولی این اتفاق و همبستگی رخ نداد و دست‌ها را به جایی نبرد. یکی زیر میزی گرفت، یکی یواشکی کار کرد و همین‌طور تا آخر، من هم نمی‌توانم همه اش نردبان بشوم و دیگران را بالا ببرم تا آنها مرا از زیر نگاه کنند. تا چه زمان و تا کی؟ من کارهایم را کردم و نتیجه هم گرفتم ولی چه کسی گفت حالت چطور است؟ کجای زندگی‌م متحول شد؟ یک زمانی تهیه‌کنندگان اجازه می‌دادند چهره جدید و بازیگر گمنام بیاید اما امروز رسانه‌های تصویری کارهای چهره‌های جدید را نمی‌خرند. من الان هم می‌توانم چهره جدیدی رو کنم که خیلی عالی می‌شود با آن کار کرد، ولی امروز این کار فایده‌ای ندارد.

در ایام نوروز به کجا سفر خواهید کرد؟

شمال کشور.

از شما متشکریم که در این گفت‌وگو شرکت کردید. امیدوارم بیشتر از اینها بتوانید پاتوزمین‌بگذارید.

پسر بچه‌ای که در مجموعه هم ایفاگر نقشی است مرتب این سو و آن سو می‌رود و یک‌دفعه خود را در بغل کارگردان رها می‌کند

که می‌خواهم مادرت را برای شام دعوت کنم. سیروس گرجستانی می‌خواهد در این ضیافت شام از مادر دامادش برای خودش خواستگاری کند. یکی از دوربین‌ها ثابت کنار پله‌ها روی سه پایه قرار گرفته و دوربین دیگر وسط پذیرایی بازیگران را در کادر می‌گیرد.

این پلان چند بار تکرار می‌شود. پسر بچه‌ای که در مجموعه هم ایفاگر نقشی است مرتب این سو و آن سو می‌رود و یک‌دفعه خود را در بغل کارگردان رها می‌کند. سعید آقاخانی جامی خورد. گویی شوکی به او وارد شده باشد. پسر بچه بی‌هوا ناگهانی در بغل او پرید و حالا نبوس و کی بیوس.

سعید با زحمت خود را از چنگال او نجات داد و گفت: خدا کند امروز نابود نشویم. گروه در تلاطم هستند تا زودتر کارها را سر و سامان بدهند گویا ریاست شبکه سوم قرار است برای بازدید به پشت صحنه مجموعه بیاید.

دقایقی نمی‌گذرد که مدیر شبکه سوم به اتفاق همراهان سر صحنه حاضر می‌شوند و ضبط پلانهای پذیرایی را از نزدیک نظاره می‌کنند. مهرا ن مهمان در توضیح به پور محمدی ریاست شبکه سه می‌گوید گروه تا او اسط نوروز درگیر این کار هستند تا بتوانند ۱۳ قسمت را به پخش برسانند.

گروه گویا تا ۱۰ شب کار می‌کنند. بعد از گرفتن خلاصه قسه و عوامل آنها را تنها می‌گذارم.

کارگردان: سعید آقاخانی، نویسندگان فیلمنامه: علیرضا کاظمی پور، سعید جلالی زاده، عکاس: سهیلا سهیمی و دستیار دوم کارگردان: رضا شهریاری.

بازیگران: سیروس گرجستانی، علی صادقی، مهرا ن غفور یان، محمد کاسبی، محمود بهرامی، رامین ناصر نصیر، حدیث میرامینی و...

به ضرورت آمدن در این جهان و به حیرت زیتیم و به کراهت می‌روم

افلاطون

